



رمانِ پر آوازهٔ «پهلوان مراد و اسپ که اصیل نبود» تجدید چاپ شد.

سخنی چند در مورد این رمان و نویسنده اش داکتر ببرک ارغند.
(برگرفته از چاپ دوم)

«داکتر ببرک ارغند ، کارمند شایستهٔ فرهنگ ، داستاننویس و روزنامه نگار است . از سی سال به اینسو مینویسد و آثارش جایگاه ویژه یی در ادبیات داستانی کشورما دارد. از وی تا کنون سه مجموعهٔ داستان کوتاه ، پنج داستان دراز ، سه رمان و دونمایشنامه اقبال نشر و نمایش یافته اند . فلم هنری « لحظه ها » به اساس داستان همین نویسنده روی نوار آمده است .

رمان « پهلوان مراد و اسپ که اصیل نبود » بار اول در بهار سال هزار و سه صد و هشتاد و سه خورشیدی در غربت زینت چاپ یافت و مورد پذیرش و ستایش هموطنان فرهیخته و صاحبنظران گرانقدر قرار گرفت. از آن جمله نوشتند :

« وقتی رمانِ « پهلوان مراد و اسپی که اصیل نبود » را در دست گرفتیم ، با بیمیلی ناشی از پیشداوری شروع به خواندن آن کردم؛ شب صبح شد، ولی دیدم که نمیتوانم کتاب را ببندم و به خواب روم . . . » « وقتی این رمان را میخواندم ، حماقتهای انسانی «دن کیشوت» سروانتس ، یادم می آمد . عاشقانه ترین لحظه های داستانهای «لرمانتف» جلو چشمم مجسم میشد ، « دن آرام » را پیش چشمانم میدیدم . کتاب مثل یک رود بار همیشه جاری ، مثل کاجستان همیشه پدرام ، مثل یک غروب پاییزی ؛ مثل یک صبح عطر آگین بهاری ، مثل آن دریاچه آرام که ماهیهای رقصان کلام در آن شناور اند ، مرا با خود میبرد و غرق در رویاهای نا تمام میساخت . . . »

« نقطه اوج هنر نویسنده در این داستان تصویر بغایت زیبا و ظریف است که از فرهنگ بازی بزکشی به دست میدهد و صحنه نبرد سهمگین اسپها و پهلوانها در جریان این بازی نفس گیر را با آن همه چکاچک مهمیزها ، صغیر قمچین ها، شیئه اسپها و زور آزمایی و تلاش جنون آمیز چاپندازها با دقت حیرت انگیزی ترکیب و تجسم میبخشد . . . »

« . . . کار برد گونه های زبانی، موقعیتهای اجتماعی آدمها، با در نظر داشت جنسیت و موقفهای کوچه یی قصری شان – پر مایه و سرشار از تصویرهای پر رنگ است. لحن زبان ، بافت کلام و ریخت داستان ، قوتمندی ، تسلط و احاطه شگرف نویسنده را بر شگرد های قصه نویسی معاصر ، بیان میدارد . . . »

« . . . اگر موقعیت متن ادبی و داستانی را در روابط به عنصر بیانی که روشنگر نسبت متن با مولف است و عنصر پراگماتیک که بیان نسبت متن با خواننده است و همچنان عنصر تقلیدی که به نسبت میان متن با جهان تکیه دارد و بلاخره عنصر عینی که روشنگر نسبت متن با خود متن همچون موضوعی یکسر مستقل است از ویژه گیهای خوب اثر داستانی بدانیم، داستان پهلوان مراد و اسپی که اصیل نبود نه تنها با ابتکار آغازین نطفه میبندد بلکه با زبان گفت و گو و زنده گی پی گرفته میشود و با ویژه

گیهای تذکر یافته فوق همنوایی و همراهی می کند . از اینرو تلاش ببرک ارغند را در نوشتن این داستان می ستایم . «

« . . » . پهلوان مراد و اسپه که اصیل نبود « به یقین حادثه یی در ادبیات معاصر کشور به شمار خواهد آمد. « حادثه » به این عنوان که این اثر، هم از دیدگاه زیبایی شناسی (استه تیک) و هم از نظرگاه موضوع پرورش یافته (مناسبات اجتماعی در گوشه از شمال کشور) یک اثر موفق است و به عنوان همین نمونه بودن ، دریچه بیست که میشود از ورای آن مسایل اساسی ادبیات افغانی را مورد بررسی و جمع بست تیوریک قرار داد «

خوانش این رمان بینظیر را فراموش نکنید .

13022008

www.ayenda.org